نام خلیج فارس در متون باستان

تازه در کارشناسی رشته تاریخ مشغول به تدریس شده بودم که نام خلیج فارس هنوز موضوع پژوهش ها و مباحث علمی بود. از آن زمان بیش از دو دهه گذشت و در طی این دو دهه همایش های بسیاری انجام شد و مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمد. بعدها به یکی از مقالات که مراجعه کردم علاقمند شدم درمورد نام باستانی خلیج فارس با توجه به رشته تحصیلی ام مقاله ای بنویسم. در طی تحقیقاتم پی بردم که کلیه پژوهشهای صورت گرفته در کشور در مورد نام خلیج فارس همگی اشاره به پژوهشهای اولیه و غالباً یک منبع دارند. از آنجا که با زبانهای بین النهرینی(سومری، اکدی، بابلی و آشوری) اندکی آشنایی داشتم از آنان به عنوان نخستین منابع پژوهش در مورد نام خلیج فارس استفاده کردم؛ همگی این منابع از دوران سومر تا زمان کوروش بزرگ از خلیج فارس با عبارت 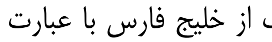 "دریای سفلی" و در دوره آشور هم بیشتر با همان عبارت دریای سفلی و گهگاه "دریای سفلی جای برآمدن خورشید" و نیز 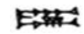 "دریای شور یا تلخ" یاد کرده اند و این متون را به زبان اصلی آنان در مقاله ام که بعد تبدیل به کتاب شد، ذکر کردم. اما متاسفانه پژوهشهای صورت گرفته در کشور همگی narmarratu (رود تلخ) – و نه صورت صحیح آن 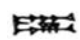 marratu (شور)_ در دوره آشور را به اشتباه به عنوان کهنترین نام خلیج فارس به کار برده اند. سپس به سراغ منابع یونانی و لاتین آمدم؛ یعنی منابعی که نخستین بار از عبارت خلیج فارس یاد میکنند. منابع یونانی و لاتین در مورد نام خلیج فارس به طور مکتوب از سده اول پیش از میلاد از نویسندگانی چون استرابو آغاز میگردد و از آثار نویسندگان پیش از آنان چون هکاتئوس و انکسیمندر و نارخوس که به خلیج فارس اشاره داشتند، چیزی در دست نداشتیم، ولی نویسندگان بعدی از نوشته های آنان در متونشان یاد کرده اند. بر پایه این متون، نام خلیج فارس نخست در منابع یونانی به صورت Περσικόν κόλπον (خلیج فارس) πέρσας θαλαττα (دریای پارس) در حالتهای مختلف صرفی آمده و سپس در منابع لاتین به صورت sinus Persicus (خلیج فارس)Persico mari (دریای پارس) آن هم در حالتهای مختلف صرفی آمده است. اما متاسفانه در پژوهش های انجام شده، همگی سینوس پرسیکوس لاتین را به عنوان کهنترین شکل خلیج فارس یاد کرده اند و صورت یونانی متقدمتر آن را نادیده گرفته اند و آنان جمله ای از این متون را در مقالات و کتب خود نیاورده اند و برخی تنها نام نویسندگانی چون هرودوت، گزنفون و دیودوروس را در مورد خلیج فارس برند که آنها هم هیچ اشاره ای به نام خلیج فارس نداشتند و حتی غالب پژوهشها از یک منبع اولیه عبارتی از آریان نویسنده یونانی در اشاره به نام خلیج فارس نقل میکنند (persikus kai tas)که آن هم اشتباه است؛ موضوع دیگر آن است زمانیکه این کتاب را به جهت حجم آن به دو مقاله به زبان انگلیسی یکی تحت عنوان خلیج فارس در متون بین النهرینی و کوروش بزرگ و داریوش بزرگ و دیگری نام خلیج فارس در متونی یونانی و لاتین نوشتم و به نشریات ISI با ویژگی های زبانی یکسان و منابع معتبر فرستادم؛ مقاله اول را چون نامی از خلیج فارس در میان نبوده است، پذیرفتند و مقاله دوم را که نام خلیج فارس آشکارا به میان می آید به جهت شباهت با مقاله اول رد کردند. اما میدانیم دلیل آن اعمال نفوذ کشورهای همسایه خلیج فارس و مسایل دیگر است.

به این دلیل، هر یک از نویسندگان محترم باید با توجه به رشته تخصصی خود در مورد موضوعات گوناگون خلیج فارس کار کند تا دشمنان ایران زمین چنین گستاخی هایی را دیگر در ذهن خود نپرورانند . این مطالب صرفا برای اطلاعات عمومی خوانندگان و علاقمندان به نام خلیج فارس و وزارتخانه های مرتبط با پیگیری حقوقی نام خلیج فارس است. سپاس که وقت گذاشتید.

بهزاد معینی سام دکترای زبانهای باستان